

داوران پاسخگوی نویسندگان نه هیأت مدیره

گفتگو با فریدون عموزاده خلیلی، رییس هیأت مدیره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان

○ گیسو فغفوری



وزنه نامه کودک و نوجوان / مهر ۱۳۷۹

۱۵

برگزاری مسابقه باعث تقویت انگیزه‌ها می‌شود و هر چقدر مسابقه جدی‌تر و حریفان آزموده‌تر باشند، همیشه رکوردها رو به شکسته شدن خواهد بود.

○ یعنی به نظر شما برگزاری جشنواره زود هنگام نبود؟

در این قضاوت مبنا برای ما چیست؟ آیا ما به شکل نسبی داریم به جشنواره، به انتخاب و حتی به آن‌مطلوب نگاه می‌کنیم یا نه؟ واقعاً چه زمانی برای برگزاری چنین مسابقه‌ای مناسب است؟ ۱۰ سال، ۲۰ سال و یا ۲۰۰ سال؟ چرا ۲۰۰ سال؟ دقیقاً ماجرا همان بازی کودکانه «یه مرغ دارم چند تا تخم می‌کنه» است! چرا ۵ سال نباشد؟ اصلاً چرا در یک سال بهترینها را انتخاب نکنیم؟ بنابراین اگر ما با یک نگاه نسبی به زمان نگاه کنیم، می‌بینیم که هر زمانی می‌تواند به عنوان پایه انتخاب شود. مهم این است که هدفمان روشن باشد. بحث دوم حجم است. ما چه حجمی از کتاب‌ها را باید وارد دایره ارزیابی کنیم، تا مسابقه شروع شود؟ حد نصاب برای ما چیست؟ آیا مثلاً دو هزار عنوان کتاب است؟ هزار عنوان است؟ یا تعداد نویسندگان است؟ من گمان می‌کنم چنین جشنواره‌ای را با وجود حتی ۱۰ نویسنده قابل برگزاری بدانیم، چرا که رقابت و الگوسازی عملاً آغاز شده است. حال با این تعداد نویسنده خوب و برجسته که داریم و با این حجم کتابی که در این ۲۰ سال تولید شده است «زود بودن» معنی دقیقی ندارد. البته بعضی از دوستان که می‌گویند زود است، ممکن است به خلق یک شاهکار نظر داشته باشند و بگویند که هنوز آن شاهکار خلق

که پیشینیان برای ما ترسیم کرده‌اند، می‌توانست راضی‌کننده باشد.

خشنود بودن نسبت به وضع موجود، هیچ وقت نمی‌تواند منجر به جهش، کشف و اختراع شود. در زمینه ادبیات هم همین‌طور است. ما اگر به رشد و توسعه فکر می‌کنیم حتماً باید به نمونه‌های برتر هم فکر کنیم، که به گام‌هایمان و بال‌هایمان انرژی می‌دهد. اگر با این نگاه به این جشنواره یا هر جشنواره دیگری که هدفش معرفی برگزیدگان است، نگاه کنیم آشکار می‌شود که یکی از نتایج این نوع جشنواره‌ها می‌تواند ترسیم قله‌ها و الگوها و مثال‌هایی از کمال مطلوب باشد. تشنه‌ی پراکندگی و انفعال چه موقعی پیش می‌آید؟ وقتی که مس و طلا یکی انگاشته شود و دوغ و دوشاب یکی فرض شود. برخورد ما با ادبیات و هنر نمی‌تواند، برخورد نظام‌های اشتراکی باشد. ادبیات برآمده از تلاش روحی و خلاقیت فردی نویسنده است و ندیدن ستاره‌های درخشان این خلاقیت و تلاش، جفا کردن به همه ادبیات است و باعث انفعال و رکود کلی آن می‌شود. چرا ما در حکومت‌ها و نظام‌های اشتراکی کمتر با شاهکار مواجه می‌شویم، چرا در شوروی دوران حاکمیت نظام کمونیستی دیگر تولستوی، داستایوفسکی، پوشکین، چخوف و امثالهم ظهور نمی‌کنند.

نگاه اشتراکی به ادبیات و هنر بیشتر خوش می‌دارد همه متوسط نگاه داشته شوند تا آن که یکی به اوج برسد. چنین نگاهی نداریم، می‌گوییم همه باید تلاش کنند به مطلوبی برسند. مثل یک مسابقه دو، همیشه

«فریدون عموزاده خلیلی» هم رییس هیأت مدیره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان است و هم یکی از نامزدهای رشته داستان جشنواره. با او درباره علت برگزاری جشنواره، رابطه هیأت داوران و هیأت مدیره، نقاط ضعف جشنواره، نحوه انتخاب داوران و انتقادهای مطرح شده درباره جشنواره و داوران به گفتگو نشستیم.

○ درباره برگزاری جشنواره نظرات مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند که برگزاری این جشنواره باعث نشست بین اعضای انجمن می‌شود، با وجود این نظرات آیا لزومی داشت جشنواره برگزار شود؟

من گمان می‌کنم لزوم برگزاری جشنواره را باید پیش از هر چیز در ضرورت و مفهوم «الگوسازی» جستجو کرد. کاروانی را در نظر بگیرید که مسیری را در پیش گرفته و مقصد و مسیر حرکتش کاملاً مشخص است. حرکت این کاروان وقتی می‌تواند رو به تعالی، توسعه و پویا باشد که همواره قله‌هایی در افق نگاهش وجود داشته باشد. اصولاً پیشرفت، توسعه و رشد در گرو مطلوب‌گرا بودن است. یعنی اینکه دنبال یک کمال مطلوب بگردیم. این کمال مطلوب در همه عرصه‌ها قابل جست و جوست. اگر این‌طور نبود ما هیچ وقت در عرصه‌های علمی به اکتشافات و اختراعات جدید نمی‌رسیدیم، چرا که حرکت در یک مسیر آرام و یکنواخت



من به عنوان رییس هیأت مدیره انجمن اولاً لازم می دانم، واقعاً از داورها عذر خواهی کنم، بسیاری از این داورها نمی پذیرفتند، داوری را، بدون اینکه خودشان خبر داشته باشند، نویسنده ها آنها را کاندیدا کردند و رأی دادند.

اگر خودم داور بودم، نظرم با برخی از این انتخابها تفاوت داشت و این کاملاً طبیعی است که هرکسی براساس نظر خودش انتخاب متفاوتی خواهد داشت اما انتخاب داوران برای من به عنوان یک نویسنده، محترم و به عنوان رییس هیأت مدیره نافذ است و قطعاً از این انتخاب هر چه که باشد دفاع می کنم.

نشده است. یعنی ما در ادبیات کودکان مان نه به زمان و نه به حجم نگاه نمی کنیم، بلکه به دنبال آن هستیم که یک نمونه عالی داشته باشیم که با هیچ چیز دیگر و هیچ اثر دیگری قابل مقایسه نباشد. ما اگر با همان نگاه نسبی نگاه کنیم، ممکن است از قضا در این جست و جو، به شاهکارهایی دست پیدا کنیم. چرا که معیارها و ملاکهای سنجش شاهکار نیز نسبی است.

چرا در این جشنواره نویسنده انتخاب می شود؟ معمولاً این بوده که تا به حال کتاب انتخاب می شد. اگر تا اینجا به این درک مشترک رسیده باشیم که برگزاری یک جشنواره در حیطه ادبیات کودک برای انتخاب کتاب یا مشخص کردن برگزیدگان به همان دلایلی که گفتیم پذیرفتنی است، وارد بحث دوم می شویم. این بحث دوم را من از دو زاویه مطرح می کنم یکی به عنوان مسؤولیتی که در انجمن دارم و یکی به عنوان شخص خودم، اتفاقاً من به عنوان شخص خودم با نظر دوستانی که «انتخاب کتاب» را پیشنهاد می کنند یا می کردند، موافقترم یعنی این که من هم گمان می کنم که انتخاب ۲۰ کتاب برتر می تواند، معقولتر کارآمدتر و الگوسازتر از انتخاب نویسنده باشد.

چرا؟ علت این است که وقتی ما نویسنده را انتخاب می کنیم عوامل غیرعلمی زیادی می تواند دخالت بکند. مثلاً یک سری پارامترهای روانی داریم که حتی بر داوران متخصص تر هم اثر می گذارد.

یعنی در انتخاب کتاب این مسأله پیش نمی آید؟ وقتی داور کتاب را هم که می خواند، اسم نویسنده می تواند همین مسأله را به وجود بیاورد؟ فرقی این است که شما وقتی کتاب را بررسی می کنید، دلایل تان را از درون کتاب استخراج می کنید. اما وقتی نویسنده مورد داوری قرار می گیرد، دلایل بیرونی زیادی می تواند دخالت کند، مثلاً یک دلیل می تواند این باشد که فلانی پیشکسوت است، ۳۰ سال است، ۲۰ سال است، ۵۰ سال است دارد زحمت می کشد. نمی توانید او را انتخاب نکنید و اسم او را خط بزئید، یعنی اصلاً به عنوان یک فاکتور و ملاک پذیرفته شده نه تنها در ذهن بلکه در عین هم به عنوان یک دلیل اقامه می شود.

خوب اشکالی دارد، ممکن است بخواهند در جشنواره از افرادی به همین دلایل که گفتید قدردانی کنند؟

بله، عیبی ندارد، ولی در این صورت باید عنوان جشنواره «جشنواره تقدیر و ستایش از پیشکسوتان» یا امثالهم باشد. نه جشنواره برترینها. شما هم می پذیرید که پیشکسوتی لزوماً به معنی برتر بودن نیست. یعنی مثلاً در شعر ممکن است شاهکار را یک پیشکسوت خلق نکند، ممکن است یک جوان بیاید خلق کند، بنابراین مهم این است که ببینیم هدفمان کدام است. من خودم فکر می کردم یکی از هدفهایی را که ما باید از این جشنواره داشته باشیم، معرفی الگوها و نمونه هاست و ما ۲۰ شاهکار معرفی می کنیم به عنوان الگوهای برتر، و حتی به دنیا معرفی شان کنیم و برای ترجمه و طرح بین المللی شان از سوی انجمن هم مایه بگذاریم. اما

وقتی شما بگویید ما ۲۰ پیشکسوت داریم، ۲۰ آدم مهم داریم، ۲۰ آدم بزرگ داریم که سالها زحمت کشیده اند در ادبیات کودکان، خوب قابل تقدیرند، اما شاید در سطح بین المللی نتوانند عرض اندام کنند. بحث من این نیست که این پیشکسوتی را ندیده بگیریم. مهم این است که هدفمان را مشخص کنیم. آن پارامترهای روانی را که گفتیم، ممکن است پارامتری مثل حضور در رسانه ها باشد، مثلاً ممکن است بنده امکانش داشته باشم که مدام چهره ام را بچها و هم داوران در تلویزیون یا روزنامه دیده باشند، این داور احساس می کند هرچه اسم شنیده مثلاً عموزاده خلیلی بوده و این اثر می گذارد، در حالی که این هیچ نسبتی با توانمندی ادبی و علمی من ندارد. ممکن است از بعضی رانتهای استفاده کرده باشم، حتی الان که در این اوضاع واحوال که تب سیاسی بالاست ممکن است کسی بخاطر رانت خواری سیاسی به شهرت رسیده باشد. آیا ما می خواهیم به شهرت و آوازه نویسنده ها جایزه بدهیم یا به توانمندی ادبی اثر. به نظر من باید میان این دو تا را تفاوت قایل شویم. اینها دلایلی بود که من شخصاً فکر می کردم اگر بیاییم کتاب معرفی کنیم، فواید بیشتری دارد و حرکت ما حرکت مؤثرتر و عمیق تری می شود.

ظاهراً نظری که هیأت مدیره انجمن یا مجمع عمومی پذیرفته، این نیست. شما به عنوان رییس هیأت مدیره انجمن آیا می توانید دلایل این موضوع را توضیح بدهید؟

در این مورد دیدگاههای متفاوتی وجود داشت، بعضی مثل بنده معتقد بودند باید کتاب انتخاب شود، برخی معتقد بودند، باید نویسنده انتخاب شود و حتی برخی معتقد بودند که فقط باید پیشکسوتها را انتخاب کرد. در کنار اینها برخی دیگر هم این اعتقاد را داشتند که ما بیاییم نویسنده های جوان را انتخاب کنیم. همه این دیدگاهها عرضه شد و آنچه در میان اعضای انجمن رأی آورد انتخاب نویسنده بود. از لحظه ای که رأی اعضا به انتخاب نویسنده تعلق گرفت ما به عنوان عضو هیأت مدیره موظف به اجرای این مصوبه هستیم. من معتقدم عقل جمعی قضاوت درستتری دارد و از آن طرف هم واقعاً به قواعد بازی دموکراسی اعتقاد داریم. بنابراین خودمان را ملزم می دانیم که به رأی نویسندگان و اعضای انجمن تن دهیم و حالا که قرار است نویسندگان برتر انتخاب شوند، شیوه خودمان را و روش انتخاب نویسندگان و جشنواره را به ترتیبی فراهم کنیم که کمترین آسیب و خدشه به آن وارد شود و سالمترین الگوی انتخاب را به جامعه فرهنگی ارائه کنیم. به همین دلیل الگوی انتخاب داوری از طریق آرای نویسندگان را برگزیدیم.

یکی از سؤالاتی که در زمینه جشنواره پیش می آید رابطه هیأت مدیره انجمن با هیأت داوران است. شما به عنوان رییس هیأت مدیره انجمن با هیأت داوران جشنواره چه رابطه ای داشتید؟

تقریباً می توانیم بگوییم هیچ. دبیرخانه جشنواره مستقل اداره می شود و هیچ ارتباطی بین هیأت مدیره و هیأت داوران وجود ندارد. طبق شیوه نامه اجرایی جشنواره تصمیم گیرنده نهایی در انتخابها هیأت داوران است و



مثلاً یک ضعف این است که کسانی که عضو هیأت داوران می شدند نمی توانستند جزو انتخاب شدگان باشند، جزو انتخاب شدگان باشند، و در نتیجه هیأت داوران از حضور برخی افراد برجسته محروم شد ولی از آن طرف یک قوت وجود دارد که این داوران، داورانی هستند که با رأی بالای نویسندگان انتخاب شده‌اند و این به داوران اعتماد به نفس و اعتبار می بخشد. نکته دیگری که من از جشنواره می دانم، بخشهای جنبی است که با همکاری سازمانها و نهادهای مختلف دبیرخانه جشنواره و با نظر داوران برگزار می شود. ما یعنی هیأت مدیره در این زمینه کاری که کرده ایم، تماس با سازمانها و نهادهای بوده است برای جلب مشارکت آنها. حالا به عنوان یک ضعف در این قسمت می خواهم بگویم باتوجه به این که این جشنواره برای نخستین بار است که در این ابعاد، برگزار می شود، خیلی ها از ابعاد، اهمیت و از تأثیر آن مطلع نیستند و همین امر باعث شد که ما در تأمین هزینه های جشنواره با مشکل جدی روبرو شویم. حالا من نمی دانم این جزو نقاط ضعف است یا نقطه قوت که این جشنواره در مقایسه با جشنواره هایی که حیطه عملشان بسیار کمتر و از نظر حجم عملیات داوری و کتابها و حضور نویسنده ها محدودتر از این جشنواره است، سه چهار برابر ما هزینه می کنند. ما واقعاً داریم با اسماک برخورد می کنیم، ما به هیچ وجه نمی توانیم زحمات داورانمان را جبران کنیم. از دوستانی که در دبیرخانه جشنواره زحمت می کشند؛ نیز متشکرم، بخصوص که ما قرار است مراسمی باشکوه هم برگزار کنیم و امیدواریم که شاهد حضور رییس محترم جمهوری هم باشیم و ما این کار را داریم با دستمایه اندکی انجام می دهیم.

○ درباره نحوه انتخاب داوران برخی معتقدند که داوری یک امر تخصصی است و وقتی ما با رأی به انتخاب داور دست می زنیم نظر شما در این باره چیست؟
ببینید این انتقاد را هم باید در حاله ای از نسبی گرای ارزیابی کرد. ما چند راه محدود که برای انتخاب داوران بیشتر نداریم یا باید بیاییم و بگوییم که گروهی - حالا مثلاً هیأت مدیره یا گروهی از منتقدان یا گروهی از نویسندگان که به ابعاد تخصصی واقفند - داوران را انتخاب کنند. حالا کدام گروه؟ این گروه را چه کسی انتخاب می کند؟ خود مسأله است.
راه دیگر این است که ما بیاییم انتصاب کنیم. یعنی شرایط مختلفی را برای داوران بر شماریم و بعد براساس آن معیار چند داور منصوب کنیم. یعنی همان کاری که در اکثر جشنواره های دولتی هم صورت می گیرد. من فکر می کنم این گونه برخورد تازه اول دعواست یعنی، با یک نگاه انتقادی همین منتقدان می توانند بپرسند که شما چه حقی داشتید که بیاید و انتصاب کنید و اصلاً چرا این افراد را برگزیده اید؟
من منکر این نیستم که هر دو حالت ضعف هایی دارد، چه بسا خودم هم این تردیدها را داشتم. برای اینکه من نگاه می کردم به جاهایی که تا به حال کتاب انتخاب کرده اند و اگر چه نفس انتخاب کتاب، خودش خدمت بوده است، سروش نوجوان، وزارت ارشاد، شورای کتاب

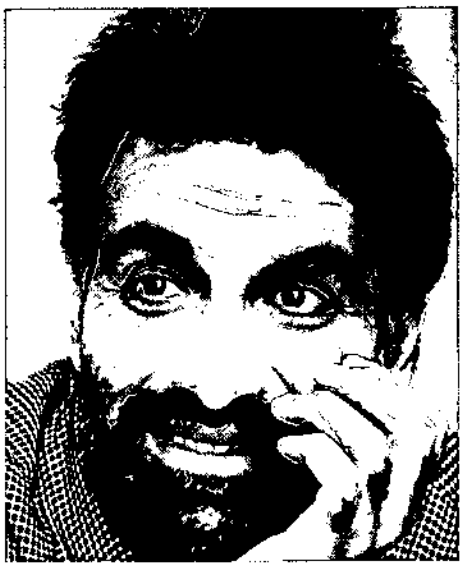
هیأت داوران به اعتبار رأیی که از اعضا گرفته، حق دخالت به هیچ کس نمی دهد. یک مورد البته هیأت داوران از هیأت مدیره استعلام کرد و پرسید که آیا کتابهای غیرادبی هم در جشنواره بررسی خواهد شد. پاسخ هیأت مدیره هم این بود که مبنای داوری شیوه نامه اجرایی جشنواره است که مجمع عمومی آن را تصویب کرده است و اگر موردی هم روشن نباشد، تفسیر آن نیز به عهده هیأت داوران است و هیأت مدیره هیچ دخالتی نخواهد کرد. البته هیأت مدیره در تأمین نیازهای جشنواره فعال است و با دبیر جشنواره مستقیم در ارتباط است، ولی این ارتباط هم به داوری ها بر نمی گردد و جالب است بدانید که حتی گاهی ما هم نتایج داوری ها را از روزنامه ها خوانده ایم.

○ شما می گوید هیأت مدیره در کار داوران دخالتی نداشته، اما آقای سیدآبادی که دبیر جشنواره و عضو هیأت مدیره هستند و معمولاً در جلسات داوری هم شرکت می کنند، فکر نمی کنید این یک تناقض باشد؟
نه، آقای سیدآبادی به اعتبار عضو هیأت مدیره بودنش در جلسات داوری شرکت نمی کند، بلکه به خاطر اینکه دبیرجشنواره است، شرکت می کند، یعنی ممکن بود ایشان در هیأت مدیره دوره جدید رأی نیاورند، اما همچنان دبیرجشنواره باشند، این یک نکته. نکته دیگر هم این است که نه ایشان و نه هیأت مدیره اصراری نداشتند که حتماً دبیر جشنواره در جلسات شرکت بکند. اگر شما آیین نامه داوری جشنواره را نگاه کنید که هیأت داوران تصویب کرده، می بینید که آنها خودشان حضور دبیر جشنواره در جلسات داوری را تصویب کرده اند، به خاطر اینکه حتماً ضرورت هایی داشته و هماهنگی هایی لازم بوده است.

○ شما به عنوان رییس هیأت مدیره نقاط ضعف جشنواره را در چه می بینید؟
والله نقاط ضعف جشنواره را من در آن حدی که مطلع می گویم، ما از همان اول بنا را روی این گذاشتیم که هیأت مدیره بخصوص در جلسات داوری و روند تصمیم گیری داوران کوچکترین دخالتی نداشته باشد، کوچکترین دخالتی که می گویم به معنی دقیق کلمه است. حتی آن تأثیر روانی را که در بخش اول پاسخم به آن اشاره کردم سعی کردیم نداشته باشیم. یعنی به فرض، حتی سعی نکردیم یکبار حضور پیدا کنیم به عنوان خوشامدگویی و حتی یک بار داوران را به جلسه هیأت مدیره دعوت نکردیم - بر فرض برای گزارش دادن - یعنی ما داوران را پاسخگوی هیأت مدیره فرض نکردیم که آنها لازم باشد بیایند و گزارش بدهند. ما آزادی کامل برای داوران قایل شدیم و به همین دلیل ما حتی اطلاعاتمان درباره بخشهای جشنواره هم خیلی کم است و جشنواره بطور مستقل مسیر خود را طی می کند. یعنی من الان فقط می دانم روند انتخاب داوران چطور بود، ما برای اینکه کمترین ضریب خطا را داشته باشیم آمدم گفتیم داوران توسط نویسندگان انتخاب شود. البته ممکن است این شیوه ایرادهایی هم داشته باشد اما نسبت به شیوه های دیگر کم ایرادترین شیوه است. مثلاً یک ضعف

این است که کسانی که عضو هیأت داوران می شدند نمی توانستند جزو انتخاب شدگان باشند، و در نتیجه هیأت داوران از حضور برخی افراد برجسته محروم شد ولی از آن طرف یک قوت وجود دارد که این داوران، داورانی هستند که با رأی بالای نویسندگان انتخاب شده‌اند و این به داوران اعتماد به نفس و اعتبار می بخشد. نکته دیگری که من از جشنواره می دانم، بخشهای جنبی است که با همکاری سازمانها و نهادهای مختلف دبیرخانه جشنواره و با نظر داوران برگزار می شود. ما یعنی هیأت مدیره در این زمینه کاری که کرده ایم، تماس با سازمانها و نهادهای بوده است برای جلب مشارکت آنها. حالا به عنوان یک ضعف در این قسمت می خواهم بگویم باتوجه به این که این جشنواره برای نخستین بار است که در این ابعاد، برگزار می شود، خیلی ها از ابعاد، اهمیت و از تأثیر آن مطلع نیستند و همین امر باعث شد که ما در تأمین هزینه های جشنواره با مشکل جدی روبرو شویم. حالا من نمی دانم این جزو نقاط ضعف است یا نقطه قوت که این جشنواره در مقایسه با جشنواره هایی که حیطه عملشان بسیار کمتر و از نظر حجم عملیات داوری و کتابها و حضور نویسنده ها محدودتر از این جشنواره است، سه چهار برابر ما هزینه می کنند. ما واقعاً داریم با اسماک برخورد می کنیم، ما به هیچ وجه نمی توانیم زحمات داورانمان را جبران کنیم. از دوستانی که در دبیرخانه جشنواره زحمت می کشند؛ نیز متشکرم، بخصوص که ما قرار است مراسمی باشکوه هم برگزار کنیم و امیدواریم که شاهد حضور رییس محترم جمهوری هم باشیم و ما این کار را داریم با دستمایه اندکی انجام می دهیم.

○ درباره نحوه انتخاب داوران برخی معتقدند که داوری یک امر تخصصی است و وقتی ما با رأی به انتخاب داور دست می زنیم نظر شما در این باره چیست؟
ببینید این انتقاد را هم باید در حاله ای از نسبی گرای ارزیابی کرد. ما چند راه محدود که برای انتخاب داوران بیشتر نداریم یا باید بیاییم و بگوییم که گروهی - حالا مثلاً هیأت مدیره یا گروهی از منتقدان یا گروهی از نویسندگان که به ابعاد تخصصی واقفند - داوران را انتخاب کنند. حالا کدام گروه؟ این گروه را چه کسی انتخاب می کند؟ خود مسأله است.
راه دیگر این است که ما بیاییم انتصاب کنیم. یعنی شرایط مختلفی را برای داوران بر شماریم و بعد براساس آن معیار چند داور منصوب کنیم. یعنی همان کاری که در اکثر جشنواره های دولتی هم صورت می گیرد. من فکر می کنم این گونه برخورد تازه اول دعواست یعنی، با یک نگاه انتقادی همین منتقدان می توانند بپرسند که شما چه حقی داشتید که بیاید و انتصاب کنید و اصلاً چرا این افراد را برگزیده اید؟
من منکر این نیستم که هر دو حالت ضعف هایی دارد، چه بسا خودم هم این تردیدها را داشتم. برای اینکه من نگاه می کردم به جاهایی که تا به حال کتاب انتخاب کرده اند و اگر چه نفس انتخاب کتاب، خودش خدمت بوده است، سروش نوجوان، وزارت ارشاد، شورای کتاب



بعضی مثل بنده معتقد بودند باید کتاب انتخاب شود، برخی معتقد بودند، باید نویسنده انتخاب شود و حتی برخی معتقد بودند که فقط باید پیشکسوت‌ها را انتخاب کرد. در کنار اینها برخی دیگر هم این اعتقاد را داشتند که ما بیاییم نویسنده‌های جوان را انتخاب کنیم. همه این دیدگاهها عرضه شد و آنچه در میان اعضای انجمن رأی آورد انتخاب نویسنده بود.

این جشنواره در مقایسه با جشنواره‌هایی که حیطة عملشان بسیار کمتر و از نظر حجم عملیات داوری و کتاب‌ها و حضور نویسنده‌ها محدودتر از این جشنواره است، سه چهار برابر ما هزینه می‌کنند. ما واقعاً داریم با امساک برخورد می‌کنیم، ما به هیچ وجه نمی‌توانیم زحمات داورانمان را جبران کنیم.

کودک و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، همه کتاب انتخاب می‌کنند، همه اینها داورانی داشتند که یا توسط سردبیری مجله انتخاب می‌شده‌اند یا توسط مسؤول فلان اداره وزارت ارشاد یا مدیریت کانون، خود من می‌دیدم که چقدر واقعاً انتقاد و اعتراض و زمزمه نسبت به داوران این جشنواره‌ها وجود دارد. اینکه اینها از یک طیف خاص‌اند، فراگیر نیستند، متکثر نیستند این انتقادها همیشه وجود دارد. نمی‌خواهم بگویم درست است یا غلط، می‌خواهم بگویم همه اینها شیوه اول را در واقع تجربه کرده‌اند و نتیجه‌اش هم این بوده، حالا انجمن آمده یک تجربه تازه کرده، می‌توانسته داوران را توسط هیأت مدیره انتخاب کند و اعتراض‌ها را هم بشنود، اما آمده گفته نویسنده‌ها خودشان انتخاب کنند. نمی‌خواهم بگویم انتخاب نویسنده‌ها کاملاً علمی است. من نمی‌گویم متخصص‌ترین و بهترین گروه انتخاب شده‌اند اما می‌توانیم بگویم این ۱۵ نفر نمایندگان نویسندگانند و مورد اعتماد آنها هستند و به همین دلیل باید به انتخابشان احترام بگذاریم به شکل با واسطه‌ای انگار انتخاب خود نویسنده‌هاست اما باید بین این دو قاعده بازی، یکی را بپذیریم، دموکراسی یا تصمیم‌گیری از بالا را. البته یک راه وسطی هم بود که خود من فکر می‌کردم مفیدتر است ولی رأی نیاورد، چون شیوه را هم خود نویسنده‌ها انتخاب کردند. آن راه وسط این بود که یک گروهی مثل هیأت مدیره و بازرسان که مورد اعتماد و منتخب اعضا باشند تعدادی از کسانی را که توانایی تخصصی‌شان کاملاً آشکار است. به عنوان کاندیدا معرفی کنند و اعضا به تعدادی از این کاندیداها رأی بدهند. با توجه به شیوه‌نامه‌ای که نویسندگان تصویب کرده‌اند اگر هم انتقادی الان به داوران و انتخاب‌ها باشد بیش از این که به انجمن و هیأت مدیره برگردد، متوجه مجموعه نویسندگان است.

○ نظر شما درباره انتقادهایی که برخی مطبوعات درباره داوران می‌کنند چیست؟ مثلاً اینکه فلانی استحاله شده است. یا همسر فلانی زندان بوده یا فلانی مطلب مکتوب ندارد. و یا فلانی شاعر است و قصه‌نویس نیست؟

گذشته از اینکه بسیاری از مطالب عنوان شده درباره داوران صحت ندارد و دبیرخانه جشنواره می‌تواند با معرفی داوران عدم صحت بسیاری از این ادعاها را نشان بدهد به نظر من بحث را باید از دو زاویه نگاه کرد: یکی این که واقعاً انتقادهایی که به داوران می‌شود؛ چقدر به ماهیت داوری بر می‌گردد. فرض کنید اگر بخواهیم مثال اغراق‌آمیز بزنیم اینکه فلانی لباس رنگی می‌پوشد، این آیا تأثیری در انتخاب دارد یا نه و اینکه مثلاً کسی پدرش فلان بوده و یا همسرش فلان است، گیرم که گفته‌های اینها به فرض صحت حتی از نظر اخلاقی پسندیده باشد، که نیست. اگر از نظر واقعی درست باشد که اغلب نیست، گیرم همه اینها باشد؛ چه ربطی به ماهیت و منطق داوری دارد. داوری اقتضا و تعریف خاص خودش را دارد. من اگر می‌خواهم درباره داستان داوری کنم باید داستان را بشناسم. عناصر داستان را بشناسم بدانم این

داستان در چه جایگاه و پله‌ای از دنیای داستان‌نویسی قرار می‌گیرد. آیا قبلاً داوری کرده‌ام یا نه؟ اگر داوری‌ام قبلاً دچار اشکال بوده می‌تواند مورد انتقاد واقع شود؟

می‌بینید که اصولاً این نوع بحث‌ها هیچ ربطی به داوری ندارد. خارج از شأنیت بحث است. برخی از این بحث‌ها به قوه قضاییه مربوط می‌شود، بعضی‌هاش به تب و تاب‌های سیاسی مربوط می‌شود. اصلاً تعبیرات به کار برده شده بیشتر سیاسی، قضایی و امنیتی است و در شأن ادبیات نقد نیست. این نوع برخورد متأسفانه سال‌ها با فرهنگ و ادبیات و نویسندگان این کشور شد و دیدید که حاصلش چه بود. دوباره نیایم و فضای ادبیات را با غبارهای سیاسی، امنیتی و اخلاقی آلوده نکنیم. بحث دوم این است که اکثریت نویسندگان آمده‌اند و گفته‌اند که اگر می‌خواهید درباره آثار ما قضاوت شود، بروید و از این آقا یا خانم خواهش کنید نباید درباره آثار ما قضاوت کند. اکثریت نویسندگان ما این را گفته‌اند، یا باید بپذیریم که اکثریت نویسندگان اشتباه کرده‌اند و حق رأی و اظهارنظر نداشته‌اند و ما به عنوان قیم - ما که می‌گوییم منظوم کسانی است که چنین نقدهایی دارند - باید بیاییم و تعیین کنیم که چه کسانی داور باشند و یا قبول کنیم نویسندگانی که هر کدام حداقل دو کتاب دارند و یا حداقل بیست اثر مطبوعاتی دارند حق دارند که بیایند قاضی اثر خودشان را انتخاب بکنند. من به عنوان رییس هیأت مدیره انجمن اولاً لازم می‌دانم واقعاً از داورها عذرخواهی کنم، بسیاری از این داورها نمی‌پذیرفتند، داوری را، بدون اینکه خودشان خبر داشته باشند، نویسنده‌ها آنها را کاندیدا کردند و رأی دادند و ما به عنوان ادای وظیفه تقاضا و خواهش کردیم که داوری را قبول کنند، در حالی که برخی از آنها علیرغم توانمندی هاشان داوری را در جاهای دیگر نپذیرفته بودند ولی این بار به این دلیل که تقاضا از طرف یک مدیر یا مسؤول نیست و از طرف قاطبه نویسندگان بود، پذیرفتند. این واقعاً انصاف نیست که بیایم مسایل شخصی خودمان را و حتی دیدگاه‌های علمی را که نسبت به این داوران داریم متوجه شخص آنها بکنیم. این با انصاف و منطق سازگار نیست.

○ نظر تان درباره انتخابهای داوران تا این مرحله چیست؟ با توجه به اینکه تقریباً نامزدهای تمام کمیته‌ها اعلام شده است؟

من البته هنوز انتخاب همه کمیته‌ها را ندیده‌ام. اما ضمن اینکه از کلیت انتخاب دفاع می‌کنم گمان می‌کنم اگر خودم داور بودم، نظرم با برخی از این انتخاب‌ها تفاوت داشت و این کاملاً طبیعی است که هرکسی براساس نظر خودش انتخاب متفاوتی خواهد داشت اما انتخاب داوران برای من به عنوان یک نویسنده، محترم و به عنوان رییس هیأت مدیره نافذ است و قطعاً از این انتخاب - هرچه که باشد - دفاع می‌کنم.

